



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۸۲-۲۰۰

## بررسی میزان بومی‌سازی سیاست‌گذاری‌های توسعه روستایی با تأکید بر برنامه‌های اول تا ششم توسعه در ایران

ابوالقاسم تقی‌زاد فانید<sup>۱\*</sup>، جلوه جلیلی

۱- استادیار دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز

۲- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تبریز،

[dr.fanid.2012@gmail.com](mailto:dr.fanid.2012@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

### چکیده

رویکرد بومی‌سازی یکی از گفتمان‌های است که در عرصه پارادایم‌های جدید توسعه مورد توجه قرار گرفته است، که رویکردی از پایین به بالا و متکی بر مکانیسم درک، پذیرش و جامعه‌پذیری اطلاعات بومی است. در نظام مدیریت و سیاست‌گذاری توسعه روستایی کشور، آشفتگی زیادی وجود داشته و دستگاه‌های اجرایی متعدد، بدون هماهنگی و برنامه متناسب با نواحی روستایی و عشایری و بدون راهبرد و چشم‌انداز مشخص در حوزه توسعه روستایی، فعالیت می‌کنند. لذا اهمیت نگاه بومی در سیاست‌گذاری توسعه خیلی مهم و اساسی است. از این رو مطالعه حاضر باهدف بررسی میزان بومی‌سازی در سیاست‌گذاری توسعه روستایی در ایران در پی پاسخ به سؤال؛ در سیاست‌گذاری‌های توسعه روستایی کشور تا چه اندازه به بومی‌سازی توجه شده، می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی است. تحلیل محتوا در این پژوهش از نوع مضمونی و در واقع واحد تحلیل، مضمون‌های موجود در متن مواد قانونی، اهداف کلان و خط‌مشی‌ها در تحلیل برنامه‌های اول تا ششم توسعه با تأکید بر نگاه بومی است؛ و نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد برنامه اول و دوم توجه به سیاست بومی‌سازی از جایگاهی برخوردار نیست. در برنامه سوم در رابطه با روستاها می‌توان رگه‌هایی از نگاه بومی یافت اما این نگاه چشمگیر نمی‌باشد. برنامه چهارم، امید به نگاه بومی در سیاست‌گذاری‌های توسعه را افزایش داده است در برنامه پنجم نگاه بومی‌سازی در سیاست‌گذاری‌های برنامه توسعه روستایی پررنگ‌تر بوده و در برنامه ششم توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی - اقتصادی آن منطقه، با مشارکت نیروهای محلی و آموزش صدهزار نفری از روستاییان و عشایر به‌عنوان عناصر پیشرو و تسهیلگر در زمینه برنامه‌ریزی محلی که نشان از توجه به اهمیت بومی‌سازی در سیاست‌گذاری برنامه توسعه روستایی دارد.

**کلمات کلیدی:** سیاست‌گذاری، بومی‌سازی، توسعه روستایی، برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران

## ۱- تعریف و بیان مسئله

توسعه با مبانی پیچیده‌ای که با خود به همراه دارد سال‌هاست که در ادبیات جهانی واکاوی می‌شود و هنوز به‌عنوان اندیشه و سرمشق در نهادهای علمی و اجرایی جایگاه شایسته‌ای دارد. تجربه تاریخی فرایند توسعه در کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته این امر را روشن ساخته که توسعه پایدار روستایی یک ضرورت بنیادی برای توسعه ملی است و باید در اولویت برنامه‌های توسعه قرار گیرد (محمودی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲۱). در واقع توسعه روستایی در قرن حاضر یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان توسعه، دولت‌ها و سیاستمداران است که از سیاست‌های کلی توسعه کشور تأثیر می‌پذیرد. به علت اهمیت فراوان توسعه روستایی از آن به‌عنوان ستون فقرات توسعه اقتصادی هر کشوری نام‌برده می‌شود (حیدرپور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۰). از طرف دیگر روستاها از مهم‌ترین خاستگاه‌های تمدن اجتماعی و نیز پایگاه‌های تولید مواد حیاطی و رفع نیازهای اساسی هر جامعه به شمار می‌رود؛ و سرشار از خرده‌فرهنگ‌های اصیل هستند. این جوامع مولد بوده و سیاست‌های اتخاذی در مورد آن می‌تواند در حفظ یا نابودی عرصه‌های حیاتی در دسترس آن‌ها اهمیت داشته باشد (ورمزیاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۸). به سخن دیگر دستیابی به معیشت بهینه و ارتقای کیفیت زندگی از اهداف اساسی برنامه‌های توسعه روستایی است؛ اما ممکن است تمام این برنامه‌ها به دلایل مختلفی به اهداف موردنظرشان دست نیابند. یکی از دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه‌ی مسئله‌ی میزان کاربرد منابع محلی و مشارکت بومیان در طول اجرای طرح است. همچنین توجه به بومی‌سازی پروژه‌های توسعه روستایی باعث شده که نظریه‌پردازان توسعه نگرش به فرایند توسعه را تغییر دهند و رویکردهای توسعه‌ای را با ظرفیت‌ها و امکانات منطقه‌ای منطبق سازند (وثوقی و حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۰). آنچه باعث برجسته شدن موضوع بومی‌سازی در سال‌های اخیر شده است آشکار شدن این موضوع است که به ودیعه گرفتن روش‌ها و تجارب دیگران بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بین جوامع، فرهنگ‌ها و فضاها نمی‌تواند منجر به توسعه پایدار در این جوامع شود تجربه روشن ساخت است که بسیاری از تکنیک‌ها و روش‌های سنتی عرصه تولید، فرهنگ و اجماع در جامعه سنتی به دلیل سازگاری و تطابق با زیست‌بوم این جوامع، همانند روش‌هایی هستند که امروز معرف روش‌های رسیدن به توسعه پایدار می‌باشند (جمعه پور، ۱۳۹۳: ۵۲). برنامه‌های توسعه در ایران، اعم از برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌های بعد از انقلاب علیرغم تمام تلاش‌ها برای تغییرات و اصلاحات تا حدودی زیادی متأثر از نظریه‌های توسعه از برون نظیر، نوسازی و راهبردهای برنامه‌ریزی از بالا به پایین بوده است. به همین دلیل برنامه‌های اتخاذشده، در زمینه توسعه روستایی در ایران باوجود سرمایه‌گذاری‌های فراوان تاکنون با موفقیت چندانی همراه نبوده است. چراکه هر چه مشارکت مردم در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های توسعه روستایی محدودتر شود امکان اجرایی شدن و کارآمدی آن‌ها کاهش و در مقابل هزینه اجرا، نظارت و ضریب آسیب‌پذیری سیاست‌ها و طرح افزایش می‌باید (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۲۵). در چنین بستری، آسیب‌پذیری جوامع روستایی و مهاجرت‌های روستا شهری انکارناپذیر است. به نظر می‌رسد نگرشی نظام‌مند در حوزه طراحی، اجرا و ارزشیابی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در کشور وجود نداشته که مانع از شکل‌گیری روند

روبه‌جلو در جوامع و نواحی روستایی شده است. این در حالی است که توجه به سیاست‌های توسعه روستایی در راستای خروج روستاییان از انزوا، کاهش مهاجرت و تحقق معیشت پایدار ضروری است. با توجه به همبستگی نواحی روستایی با مسائل و مشکلات مهم و نیز وجود توان‌های اقتصادی بکر در روستاها و عدم توانایی سیاست‌های بخشی و عوامل بازار در مدیریت چالش‌ها و قابلیت‌های ناهمگون روستایی، وضع سیاست‌های توسعه روستایی کارآمد حائز اهمیت است (ورمزیاری: ۱۳۹۷: ۹۹). از این رو مطالعه حاضر باهدف بررسی میزان بومی‌سازی در سیاست‌گذاری توسعه روستایی در ایران درصدد است، پاسخ مناسبی به سؤال در سیاست‌گذاری‌های توسعه روستایی کشور تا چه اندازه به بومی‌سازی توجه شده است؟ ارائه دهد.

## ۲- مبانی نظری

بومی‌سازی استفاده آگاهانه از الگوها، روش‌ها و فنون توسعه و انطباق آن با شرایط جامعه بومی در کنار به‌روز کردن و تقویت تکنیک‌ها و روش‌های بومی یا همان پیوند دانش رسمی با دانش و شرایط بومی است، چنین راهبردی می‌تواند به توانمندسازی و مشارکت مردم در جریان توسعه و شکل‌گیری یک جریان توسعه درون‌زا، متکی‌به‌خود و پایدار منجر شود (چمبرز، ۱۳۹۶: ۱۲۰). بسیاری از مفسران بومی‌سازی را از لحاظ اخلاقی بسیار مطلوب می‌دانند و از مزایای آن به دانش محلی، ارتباطات، تخصص و توانایی تأثیرگذاری بر ایجاد تغییر روی زمین اشاره می‌کنند (Clarke, 2018: 5). همچنین بومی‌سازی یکی از گفتمان‌های است که در عرصه پارادایم‌های جدید توسعه مطرح و مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. این یک واقعیت انکارناپذیر است که کشورهای جهان سوم برای رسیدن به توسعه، کشورهای توسعه‌یافته را به‌عنوان الگو مورد توجه قرار می‌دهند و هدف نهایی در پیشبرد این گروه از کشورها، پیوستن به کشورهای توسعه‌یافته و همانند شدن با آنها می‌باشد. در این روند دگرگونی جامعه از سنتی به مدرن، برخوردها و انگاره‌های متفاوتی وجود دارد که در جامعه ایرانی و تجربه یک‌صد سال گذشته می‌توان آن را به‌روشنی تشخیص داد. جدایی از سنت‌گرایان رادیکال که سعی در حفظ جامعه کامل سنتی و مخالفت با هرگونه نوگرایی و دگرگونی داشتند. معتقد به دگرگونی طیف گسترده‌ای از کسانی که معتقد به غربی شدن کامل هستند تا کسانی که معتقد به الگوبرداری و تقلید‌گزینی از چیزهای خوب کشورهای توسعه‌یافته می‌باشند را در برمی‌گیرند. بومی‌سازی در ارتباط با نحوه برخورد جامعه با روند دگرگونی از سنتی به مدرن و نحوه برخورد یا تعامل جامعه درون مدار با جامعه بیرونی مفهوم پیدا می‌کند (جمعه پور، ۱۳۹۳، ۵۲).

پس از جنگ جهانی دوم، رویکرد پذیرفته‌شده برای توسعه متکی بر ایده مدرنیزاسیون بود که به‌وسیله آن همه جوامع از یک حالت غیرمنطقی، محدود از نظر فناوری به یک حالت منطقی و پیشرفته از نظر فنی تبدیل می‌شوند. مراکز شهری به‌عنوان قطب‌های رشد در نظر گرفته‌شده درحالی‌که مناطق روستایی سرزمین‌های عقب‌مانده و تنها با تمرکز بر تولید در نظر گرفته می‌شدند؛ بنابراین، کانون توسعه روستایی جهت‌گیری برون‌زایی داشت (Guinjoan et all, 2016: 495). پس از دهه ۱۹۶۰ اولین صداهای انتقادی شروع به شنیدن کرد،

الگوی مدرنیزاسیون و سیاست‌های برون‌زا مربوط به توسعه را که منحصراً بر جنبه‌های اقتصادی متمرکز بود به چالش کشید. مدتی پس‌از آن نیز بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰ نشان داد که سیاست‌های منطقه‌ای و متمرکز قادر به ایجاد توسعه پایدار در مناطق پیرامونی نیستند. در نتیجه ایده توسعه سرزمینی با نگاهی محلی که بیشتر به مردم متکی بود تا به بهره‌وری، ظهور کرد (Pike et al., 2007). در دهه‌های اخیر نیز الگوی سنتی نوسازی که رویکردی برون‌زا و بخشی داشت با الگوی جدید توسعه روستایی که محلی‌تر، درون‌زا و یکپارچه بود جایگزین شده است (Guinjoan et al., 2016: 495). در هر صورت، فرضیه‌ای که این رویکرد جدید را هدایت می‌کند این است که هر سرزمین دارای منابع اقتصادی، اجتماعی، فناوری، نهادی، زیرساختی، زیست‌محیطی و فرهنگی خاص خود است که پتانسیل توسعه آن را تشکیل می‌دهد (HERNANDO, 2007). این مدل جدید از توسعه با توجه به مدل برون‌زای قبلی سه تغییر عمده به همراه داشته است که توجه را به سمت منابع خود سرزمین معطوف کرده، جوامع محلی را به تلاش برای قهرمانی توسعه تبدیل کرده و امکان توسعه یکپارچه را در سطح سرزمین فراهم کرده است (Woods, 2011). بسیاری از نویسندگان رویکرد جدید را به‌عنوان الگوی جدید توسعه روستایی تصور می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، به‌عنوان یک چارچوب یا مجموعه از ایده‌های جدید که به‌طور گسترده‌ای می‌توان به هدف توسعه روستایی کمک کند (Guinjoan et al., 2016: 496). در واقع رویکرد بومی، رویکردی از پایین به بالا و متکی بر مکانیزم درک و پذیرش و جامعه‌پذیری اطلاعات بومی است (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۹). راهبردهای توسعه بومی آزمون مجدد ساختارها و ارزش‌های سنتی جوامع جهان سوم است که فرصت‌هایی را برای ابتکارهای مناسب‌تر و مؤثرتر در سطح محلی فراهم سازد. بازنگری ارزش‌ها و نهاد‌های جوامع سنتی، توسعه جایگزین را به وجود آورده و زمینه‌های مشارکت مردمی و توانمندسازی را فراهم می‌سازد. بخش‌های سنتی اغلب دارای مکانیسم‌های نهادی غیررسمی و سیستم‌های انعطاف‌پذیری بوده که با طرح‌های توسعه‌ای برخی نواحی روستایی سازگاری یافته‌اند (بوذرجمهری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۳۲).

پیدایش ایده‌های برنامه‌ریزی در ایران قدمتی بیش از سایر کشورهای توسعه‌نیافته دارد. نگاه به مجموعه اتفاقاتی که از فروردین ۱۳۱۶ شروع شد و در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ به تصویب لایحه برنامه در مجلس و تبدیل آن به قانون و تولد سازمان برنامه ایران و تصویب مجوز شروع به کار آن در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۸ شد، نشان از آن دارد که در آن دوران در ایران، داشتن برنامه به یک خواست و نیاز ملی تبدیل شده بود. خواست و نیازی که تغییر پیاپی دولت‌ها، جابه‌جایی افراد تأثیرگذار و گذشت زمان و تغییر و تحولات سیاسی نه‌تنها نتوانسته از شدت آن بکاهد، بلکه بر اهمیت و توجه به آن افزوده است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۸). تجربه بیش از ۵۰ سال توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی در ایران، بیان‌کننده ناکارآمدی الگوهای یک‌بعدی ناموزون و اقتدارگرایانه برای توسعه است و این الگو باید با معیارهای فرهنگی و معیارهای ارزشی حاکم بر جامعه انطباق داشته باشد (کرائی، ۱۳۹۴: ۲). در برنامه‌های کشور ما، فقدان توسعه درون‌زا با برنامه‌هایی که مردم در آن مشارکت داشته باشند و دولت تنها نقش هدایتی و تسهیلگری را بر عهده گیرد، به‌خوبی مشهود است. به همین خاطر اهداف توسعه

تنها در سطح ابلاغیه‌ها و بخشنامه‌ها محدود شده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹). همچنین در نظام مدیریت و سیاست‌گذاری توسعه روستایی کشور، آشفتگی زیادی وجود داشته و دستگاه‌های اجرایی متعدد، بدون هماهنگی و برنامه متناسب با نواحی روستایی و عشایری و بدون راهبرد و چشم‌انداز مشخص در حوزه توسعه روستایی، فعالیت می‌کنند و نواحی شهری برای آن‌ها عمدتاً از اولویت بیشتر برخوردار است. این امر سبب شده باوجود ارائه خدمات مختلف به روستاها، جریان مهاجرت کنترل نشود. فقدان مدیریت جهادی (به مفهوم مدیریت مشارکتی و مردم‌گرا و مبتنی بر اصول علمی) و غلبه مدیریت بوروکراتیک، یکی دیگر از چالش‌های جدی به شمار می‌رود. به‌طورکلی، نگاه تک‌بعدی، بخشی‌گرایی، برنامه‌ریزی متمرکز (از بالا به پایین)، رویکرد تکنوکراتیکی و بوروکراتیکی در دستگاه‌های اجرایی و در یک کلام "نبود مدیریت یکپارچه" جهت توسعه متوازن و هماهنگ تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، محیط زیستی و کالبدی نواحی روستایی و عشایری، یکی از موانعی است که سبب کندی رونق تولید شده است. کشور فاقد سند راهبردی، برنامه و نهاد مشخص در خصوص مدیریت توسعه پایدار روستایی است. مدیریت امور روستایی با رویکردهای شهری، یکی از نتایج اختلال جدی در نظام سیاست‌گذاری توسعه روستایی است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸: ۱۳) و علیرغم تأکیدهای زیادی که در قانون اساسی و قانون برنامه‌بودجه به مشارکت بخش‌ها و مناطق در تدوین برنامه‌های توسعه وجود دارد و ضرورت منطقی توجه به آن متأسفانه در هیچ‌یک از نظام‌های برنامه‌ریزی گذشته سازوکاری برای جلب مشارکت نهادها، انجمن‌ها و مناطق مشخص نشده است (عزیزخانی، ۱۳۹۴: ۷-۴).

### ۳- پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه تحقیق، توانایی محقق را در انتخاب اطلاعات مهم و ارتباط آن‌ها را با یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهد و چارچوبی برای اجرای تحقیق، فراهم می‌آورد. با توجه به ادبیات موضوع، آخرین دستاوردهای علمی، پیرامون مسئله، بررسی و در قالب جدول (۱) در زیر آورده شده است

جدول (۱) خلاصه‌ای از مطالعات انجام‌شده در رابطه با موضوع تحقیق

محقق و سال	عنوان پژوهش	نتیجه
ورمزیاری و همکاران (۱۳۹۹)	تبیین استلزامات ارتقاء نظام سیاست‌گذاری توسعه روستایی و عشایری ایران مبتنی بر سبک مدیریت جهادی	مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت جهادی پرهیز از ساختار اداری سلسله‌مراتبی عمودی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد میدانی و نیازهای روستاییان و عشایر، مشارکت محوری و اتخاذ رویکردهای پایین به بالا و چندبعدی نگرانی است که بر محور دستیابی به اهداف عالیه عدالت‌گستری و تعالی انسان‌ها به‌خصوص اقشار محروم انجام می‌شود
نوربخش و میرترابی (۱۳۹۹)	ضعف اجماع نخبگان و پیامدهای آن بر چرخه سیاست‌گذاری توسعه در ایران (برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه ج.ا.ایران)،	تا زمانی که اجماع لازم میان نخبگان در سطح حاکمیت در سیاست‌گذاری حول محور یک برنامه راهبردی بلندمدت برای توسعه با نظارت کامل در اجرا رخ ندهد چرخه معیوب سیاست‌گذاری اصلاح نمی‌گردد و درس گرفتن تجارب گذشته در این رابطه می‌تواند چراغ راهی باشد برای تحقق سند چشم‌انداز و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در آینده

فقدان پارادایم و نظریه‌های توسعه روستایی به عدم یکپارچگی نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی روستایی انجامیده که خود بر تقویت نگرش‌ها و باورهای تک‌بعدی و ناسازگار با نواحی روستایی و رویکردهای غیر مشارکتی تأثیر داشته است.	طراحی الگویی از چالش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران: یک نظریه داده بنیان	ورمزیاری و همکاران، (۱۳۹۷)
در مجموع ۹ مؤلفه و ۱۸ شاخص و ۵۳ نماگر انتخاب شد که با مناطق روستایی ایران سازگار هستند. افزون بر این، با بومی‌سازی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی، این امکان فراهم می‌شود تا علاوه بر انتخاب شاخص‌های سازگار و منطبق با شرایط روستاهای ایران، به جنبه‌های عملیاتی بودن و قابل اجرا بودن این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و نماگرها در برنامه‌های توسعه پایدار روستایی نیز توجه شود.	بومی‌سازی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی ایران	محمودی و همکاران، (۱۳۹۵)
شناخت دقیق عوامل محیطی از جمله عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و قانونی بالأخص فرهنگ و ارزش‌های ملی و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها در رفتار افراد و عملکرد سازمان‌ها بسیار ضروری است. تسلط بر مبانی نظری و روش‌های اثربخشی مدیریت غربی و دیگر الگوهای موفق دنیا از الزامات اجتناب‌ناپذیر توسعه بومی است.	بومی‌سازی توسعه و ضرورت‌های اجرای آن	کرائی و داودی (۱۳۹۴)
در جریان گذر و تحول به منظور رسیدن به توسعه پایدار به‌ویژه در عرصه توسعه روستایی و کشاورزی که زمینه‌های توسعه درون‌زا و متکی به‌خود در آن‌ها فراهم است، بومی‌سازی را باید در بومی‌گرایی اولویت‌بخشی به‌روش‌های تولید بومی و در مرحله بعد گزینش آگاهانه الگوهای غیربومی که سازگاری بیشتری با شرایط جامعه دارند، دانست.	بومی‌سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرآیند آن	جمعه پور (۱۳۹۳)
با مراجعه به منابع و مشارکت افراد محلی می‌توان به توسعه‌ای متوازن و همه‌جانبه دست‌یافت، ضمن این‌که به خوداتکایی و توانمندسازی روستاییان به‌جای وابستگی صرف منجر می‌شود و همچنین دانش بومی باعث ایجاد ارتباط متقابل بین مجریان پروژه‌ها و روستاییان شده و مشارکت همه‌جانبه افراد محلی را برمی‌انگیزد.	ضرورت توجه به دانش بومی در برنامه‌های توسعه روستایی با تأکید بر توسعه مشارکتی	وثوقی و همکاران، (۱۳۹۳)
در مقوله توسعه روستایی مشارکت و توانمندسازی مردم محلی و توجه ویژه به دانش بومی غنی آن‌ها دارای اهمیت فراوانی است. موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های توسعه پایدار در گرو مشارکت بومیان در کلیه مراحل از جمله طراحی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی طرح‌ها است	نقش دانش بومی در بومی‌سازی فرایند برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی	محمد زاده، (۱۳۹۳)
می‌توان با استفاده از تجربیات ارزشمند دانش بومی از علوم و فنون جدید متناسب با شرایط محلی بهره‌برداری نمود و به توسعه جامع دست‌یافت.	لزوم بومی‌سازی طرح‌های توسعه جزیره کیش	افراخته (۱۳۹۳)
دانش بومی به‌عنوان بستری مناسب برای بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی است و به این موضوع پرداخته‌شده که با مدنظر قرار دادن دانش بومی و ویژگی‌های آن مانند کل‌نگر، انباشتی، پویا و عجین با فرهنگ یک قوم و نیز کاربرد عملی آن نه‌تنها توسعه‌ی روستایی منطبق با شرایط محلی یک اجتماع است بلکه می‌توان به توسعه‌ی درون‌زا دست‌یافت. روستاییان نیز در سایه‌ی ارائه‌ی دانش و تجارب خود می‌توانند از نتایج توسعه‌ی همه‌جانبه بهره‌مند شوند، ضمن اینکه به توانمندسازی روستاییان به‌جای وابستگی صرف می‌انجامد، در آنان احساس امنیت، کارآمد بودن، اثرگذار بودن، ارزشمند بودن و برخورداری از حق انتخاب ایجاد می‌شود.	دانش بومی، گامی به‌سوی بومی‌سازی توسعه روستایی و توانمندسازی روستاییان	وثوقی و حبیبی (۱۳۹۳)

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

با جمع‌بندی منابع مورد استفاده به‌عنوان پیشینه پژوهش به‌منظور رسیدن به توسعه پایدار به‌ویژه در عرصه توسعه روستایی و کشاورزی، بومی‌سازی را باید در اولویت برنامه‌های توسعه قرار داده شود، لذا پژوهش حاضر نیز در تلاش است تا میزان توجه به نگاه بومی در برنامه‌های توسعه در کشور را بسنجد.

#### ۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع هدف کاربردی و به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی است. در تحقیقاتی که درباره اسناد مکتوب، از جمله قوانین و لوایح صورت می‌گیرد، تحلیل محتوا می‌تواند روش مناسبی باشد (دهقان پیشه و اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). بر این اساس در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است که در این پژوهش از نوع مضمونی و در واقع واحد تحلیل، مضمون‌های موجود در متن است و معرف‌های موردنظر در قالب این مضمون‌ها جستجو و در جهت تطبیق و تحلیل برنامه‌ها به کار گرفته شده‌اند. برنامه‌های توسعه در ایران به‌طور معمول شامل مواد قانونی برنامه؛ اهداف کلی، خط‌مشی‌ها، تصویر کلان برنامه، اهداف کمی، سیاست‌های کلان و جداول پیوستی است. در نوشتار حاضر مواد قانونی، اهداف کلان و خط‌مشی‌ها در تحلیل برنامه‌ها (برنامه اول تا ششم توسعه) با تأکید بر نگاه بومی مورد استفاده قرار گرفته است.

#### ۵- بحث و نتایج

پورتر معتقد است که پژوهشگران دانشگاهی و سیاست‌گذاران دولتی، همواره چند فرض ضمنی در مورد روستاها داشته‌اند که درخور تأمل و بررسی است: نخست اینکه با مناطق روستایی به‌گونه‌ای متفاوت از مناطق دیگر برخورد شده است. این در حالی است که نظرسنجی *USDA* نشان می‌دهد که از نظر صاحبان کسب‌وکار، نقش و وظیفه دولت در مناطق شهری و روستایی تقریباً یکسان است دوم، پژوهشگران و سیاست‌گذاران در تعریف مناطق روستایی، عمومی‌سازی را در پیش گرفته‌اند، در حالی که هر منطقه - چه شهری باشد و چه روستایی - یکتا و منحصر به فرد است سوم، مناطق روستایی معمولاً (اگرچه نه همیشه) متمایز و مستقل از نواحی شهری در نظر گرفته شده‌اند (سید تقوی و بابایی، ۱۳۹۲: ۴۵۰) همچنین توجه به پارادایم‌های جدید در مطالعات روستایی مانند مفاهیم و رویکردهایی چون توسعه از پایین، توسعه از درون یا توسعه درون‌زا، توسعه انسانی، توسعه اجتماعی، توسعه تلفیقی، توسعه پایدار روستایی، توسعه محلی، توسعه مشارکتی، ارزیابی مشارکت روستایی، حکمرانی خوب، راه دیگر، راه سوم، دانش بومی، پسا روستایی، جغرافیای روستایی فراموش شده (شکوری، ۱۳۹۰: ۲۳)، دال بر ضرورت بازنگری در رویکردها و روش‌ها در سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است. یکی از سطوح سیاست‌گذاری در ایران برنامه‌های توسعه است که در رابطه با توسعه بعد از انقلاب در ایران تهیه می‌شود. در این پژوهش برنامه‌های توسعه (اول تا ششم) از نگاه توجه به نگاه بومی‌سازی در رابطه با توسعه روستایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱) برنامه اول توسعه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

در این برنامه، توسعه روستایی همانند سه برنامه اول قبل از انقلاب دارای فصل مستقلی نیست و برنامه‌های آن در قالب هدف‌های ملی، عمران منطقه‌ای، کشاورزی و آمایش مدنظر قرار گرفته است. به طوری که در این برنامه بخش قابل توجهی از برنامه‌های اجرایی به عمران روستایی اختصاص داشت (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۲: ۶۲) و بسیاری از تبصره‌های قانونی این برنامه دولت را به تخصیص اعتبارات ویژه به مناطق روستایی مکلف کرد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲: ۵۲). اهم مواردی که در قانون برنامه اول توسعه در رابطه با توسعه روستایی به شرح زیر است:

۱- ترغیب داروسازان جوان در جهت تأسیس داروخانه به منظور تأمین داروهای مورد نیاز مناطق روستایی و بخش‌های محروم کشور در مناطق مذکور ۲- توسعه فضای آموزشی متناسب با رشد دانش آموز و ایجاد امکانات آموزشی و پرورشی لازم و تربیت نیروهای کافی برای تمامی مقاطع به ویژه کودکان لازم‌التعلیم با اولویت روستاها. ۳- ارائه خدمات زیربنایی به مناطق روستایی و بخش‌های محروم. ۴- افزایش نسبی درآمد سرانه روستائیان از طریق ایجاد تنوع در فرصت‌های اشتغال و تأمین درآمد از بخش‌های غیر کشاورزی در محیط روستایی ۵- سازمان‌دهی جامعه روستایی از طریق تعاونی‌های تولیدی کشاورزی و دامداری و صنایع روستایی و سایر تشکلهای قانونی. ۶- ایجاد و گسترش صنایع مناسب (مواد، ماشین‌آلات و تکنولوژی عمدتاً محلی یا داخلی) در مناطق روستایی و تقویت و توسعه قابلیت‌های تولیدی و رقابتی صنایع کوچک. ۷- توسعه و بهبود ارتباطات پستی و مخابراتی روستایی، شهری، بین‌شهری و بین‌المللی. ۸- تعمیم بیمه‌های اجتماعی با اولویت روستائیان، عشایر و گروه‌های آسیب‌پذیر. ۹- تأمین آموزش‌های عمومی بهداشتی - درمانی و مراقبت‌های بهداشتی اولیه برای عامه مردم با تأکید بر مناطق محروم و روستایی کشور. ۱۰- تعیین موازین و معیارهای ساخت مسکن شهری و روستایی متناسب با امکانات تولید و خصوصیات منطقه و توسعه، تهیه و تدوین نظام حقوقی جهت افزایش عرضه واحدهای مسکونی با تقلیل سطح زیربنا و تولید و عرضه مسکن استیجاری و گسترش فعالیت‌های تولیدی و مصالح ساختمانی ۱۱- اولویت تأمین نیاز از روستا نسبت به شهر ۱۲- تجهیز و تقویت مراکز دهستان و روستاهای مرکزی و ایجاد روستا شهرها به منظور تسهیل خدمت‌رسانی به مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت استقرار فعالیت‌های غیر کشاورزی در محیط روستایی منوط به بازنگری ضوابط انتخاب مراکز دهستان و استقرار نظام سلسله مراتبی خدمات‌رسانی به روستاها و برنامه‌ریزی فضایی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی. ۱۳- نگهداشت جمعیت عشایری بر اساس رابطه تعادل یافته بین نسبت دام و ظرفیت مراتع و تأمین مشاغل مولد برای عشایر مازاد در مراکز جمعیت با اولویت نقاط روستایی و با تعیین و آماده‌سازی مکان‌های مناسب با رعایت ویژگی‌های تولیدی عشایر (قانون برنامه اول



توسعه جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۶). به‌طور کلی عمده‌ترین سیاست این برنامه ایجاد و تقویت قطب‌های توسعه در مناطق با قابلیت‌های تولیدی و بنابر ملاحظات سیاسی، نظامی، بوم‌شناسانه و یا کاهش مهاجرت فهرستی بود (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۸). فقط در دو بند این قانون تقریباً نگاه کلی محلی دیده می‌شود که شامل ایجاد و گسترش صنایع مناسب (مواد، ماشین‌آلات و تکنولوژی عمدتاً محلی یا داخلی) در مناطق روستایی و تعیین موازین و معیارهای ساخت مسکن شهری و روستایی متناسب با امکانات تولید و خصوصیات منطقه است در کل نگاه خاصی به بومی‌سازی در آن دیده نمی‌شود.

## ۲) برنامه دوم توسعه (۱۳۷۷-۱۳۷۳)

در برنامه دوم توسعه عمران و توسعه روستاها برای نخستین بار بعد از انقلاب اسلامی، به‌عنوان سرفصل مستقلی در اسناد برنامه‌ها جای گرفت و در آن تأکید بر توسعه صنعت در روستاها، ساختار فضایی مطلوب و سلسله‌مراتبی مراکز روستایی مهم سیاست‌های توسعه روستایی است (ازکیا و دیباجی فروشانی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). در این برنامه سه برنامه اجرایی شامل: برنامه بهسازی و نوسازی روستاها، برنامه روستاهای پراکنده و برنامه ایجاد و توسعه صنایع روستایی وجود دارد، همچنین طرح خروج دام از جنگل و مقاوم‌سازی مسکن روستایی اقدامات جدیدی بود که به این برنامه اضافه شد (امیرانتخابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰). در کل به‌منظور توسعه روستاهای محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در روستاها اقدامات انجامی در رابطه با توسعه روستاها به شرح زیر می‌باشد:

۱- هزینه مبلغ سه هزار میلیارد ریال برای امور زیر در روستاهای محروم (انجام طرح‌های عمرانی درزمینه راه مناسب روستایی و برق‌رسانی، بهداشت و آب‌رسانی، فضاهای آموزشی، پستی و مخابراتی و کمک به آماده‌سازی زمین برای طرح‌های اشتغال‌زا در روستاهای محروم با اولویت اتمام طرح‌های نیمه‌تمام برنامه اول)  
 ۲- توسعه فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زا و خوداشتغالی در روستاهای محروم ۳- رعایت اولویت در انتخاب و اجرای طرح‌های امور اجتماعی، زیربنایی و اشتغال‌زا برای روستاهای محروم. ۴- احداث فضاهای چندمنظوره فرهنگی، آموزشی، تربیتی، هنری و ورزشی در مراکز جمعیتی نقاط محروم کشور و همچنین دولت‌موظف است پس از تصویب این قانون، ضریب محرومیت کلیه روستاها را سالانه بر اساس برخورداری از طرح‌های عمرانی معین نموده و بر مبنای اولویت‌های هر روستا اعتبار لازم را منظور نماید (قانون برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۳). در این برنامه نیز همانند برنامه اول بومی‌سازی در سیاست‌گذاری توسعه روستایی جایگاه ندارد.

### ۳) برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

برنامه سوم با جهت‌گیری اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی برای افزایش کارایی دولت، بالا بردن بهره‌وری منابع ملی و تقویت بخش غیردولتی بود (نجفی کاتی و قدیری معصوم، ۱۳۸۲: ۱۱۹). این برنامه باهدف توسعه همه‌جانبه و اصلاحات ساختاری و با استفاده از تجربه برنامه‌های اول و دوم تهیه شد (غفاری فرد، ۱۳۹۸: ۲۷) و از زمره اهداف آن که گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه روستایی را در برمی‌گیرد. تلاش برای حفظ قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد، فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال و تشویق سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، اهتمام به توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به معیشت روستائیان، تأمین امنیت غذایی و خودکفایی در کالاهای اساسی با افزایش تولید داخلی به‌ویژه کشاورزی، گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و رفع محرومیت‌ها به‌خصوص در مناطق روستایی کشور است (قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹). در واقع این برنامه معروف به برنامه اصلاح ساختاری با تأکید بر عدالت اجتماعی و گسترش سیاست خارجی است (غفاری، ۱۳۹۵: ۵). به‌منظور تسریع در امر توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به بهبود معیشت روستائیان، موارد انجامی در طی دوران برنامه به شرح زیر است:

- ۱- تعیین نقش و قلمرو وظایف و ارتباطات دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با توسعه و عمران روستاها در جهت سازمان‌دهی مجدد و حذف فعالیت‌های مشابه و موازی. ۲- واگذاری بخشی از فعالیت‌های اجرایی دستگاه‌های دولتی به شوراهای اسلامی و دستگاه‌های محلی و مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی. ۳- تعیین ضوابط برای خدمات زیربنایی در محیط روستایی و سطح‌بندی و ارائه خدمات و تجهیز فضاهای روستایی کشور بر اساس طرح‌های توسعه و عمران مصوب. ۴- حمایت از مؤسسات غیردولتی تأمین‌کننده اعتبارات خرد از قبیل صندوق عمران و توسعه روستایی به‌منظور ارائه تسهیلات به روستائیان برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ۵- ساماندهی فضاها و سکونت‌گاه‌های روستایی به‌منظور توسعه هماهنگ و موزون فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی، از طریق توزیع مناسب جمعیت و استقرار بهینه خدمات در محیط‌های روستایی و حمایت از اجرای آن. ۶- حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و مردمی در محیط روستایی با تأمین تسهیلات مناسب به‌ویژه برای سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا و پرداخت بخشی از سود تسهیلات اعطایی برای مناطق توسعه‌نیافته. ۷- ساماندهی کوچ و حمایت از اسکان عشایر داوطلب. ۷- به‌منظور هویت بخشی به سیما و کالبد شهرها و روستاهای کشور و انطباق مشخصات کلیه ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی کشور با ویژگی‌های فرهنگ معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی (بومی) و رعایت اصول و ضوابط مربوطه در نماسازی و طراحی شهری و روستایی کشور و جلوگیری از تخریب ساختمان‌ها و نماهای بارزش در شهرها، نسبت به تهیه، تدوین و ارائه اصول، ضوابط و مقررات نماسازی در کلیه ساخت‌وسازهای کشور ۸- دولت موظف است همه‌ساله اعتبارات خاصی را در لویح بودجه به نحوی پیش‌بینی نماید تا پس از پایان برنامه سوم، کلیه روستاهای بالایی بیست خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند. ۹- ایجاد صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی با سرمایه دولت و مردم به‌منظور ایجاد اشتغال در مناطق

روستایی به‌ویژه در مناطق توسعه‌نیافته (قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹). با کنکاش در قوانین این برنامه در رابطه با روستاها می‌توان رگه‌هایی از نگاه بومی مانند واگذاری بخشی از فعالیت‌های اجرائی دستگاه‌های دولتی به شوراهای اسلامی و دستگاه‌های محلی و مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی و هویت بخشی به سیما و کالبد شهرها و روستاهای کشور و انطباق مشخصات کلیه ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی کشور با ویژگی‌های فرهنگ معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی (بومی) و رعایت اصول و ضوابط مربوطه در نماسازی و طراحی شهری و روستایی کشور به‌نوعی توجه به سیاست بومی‌سازی را در این برنامه یافت اما این نگاه چشمگیر نمی‌باشد.

#### ۴) برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی از طریق نظام انگیزشی برای پروژه‌های عمرانی کوچک متناسب با ظرفیت‌های محلی از طریق سطوح محلی و با جلب مشارکت‌های عمومی در راستای استقرار عدالت و ثبات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی (غفاری فرد، ۱۳۹۸: ۲۹) نمونه‌ای از اهم موارد این برنامه است و به‌منظور ارتقاء شاخص‌های توسعه روستایی و عشایری، دولت مکلف به اتخاذ موارد زیر می‌باشد:

۱- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری و نظارت در امور توسعه روستایی زیر نظر رئیس‌جمهور انجام گیرد. ۲- شاخص‌های مذکور نسبت به پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) افزایش یافته و ساماندهی اسکان عشایر با حفظ ارتقاء توانمندی‌های اقتصادی در حد پنجاه درصد (۵۰٪) جمعیت عشایر کشور صورت پذیرد. ۳- اعتبارات روستایی و عشایری در طول برنامه به میزان ارقام بودجه مصوبه سالانه صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص و پرداخت گردد. ۴- بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی کشور، از طریق توسعه منابع انسانی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، ساماندهی نظام ارائه خدمات سطح‌بندی شده و اصلاح نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی، با تأکید برافزایش هماهنگی و محلی نمودن فرآیند آن (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۴). همان‌طور که مشخص است یکی از اهداف اساسی مورد ۴ به‌طور مشخص، اصلاح نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی، با تأکید برافزایش هماهنگی و محلی نمودن فرآیند آن بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵: ۱۳). به‌طورکلی کماکان سیاست‌گذاری توسعه روستایی در این برنامه بر دیدگاه کلیشه‌ای کالبدی، فیزیکی، عمرانی و خدماتی به توسعه روستایی غلبه دارد؛ اما نگاه محلی داشتن، امید به اهمیت داشتن نگاه بومی در سیاست‌گذاری‌های توسعه را افزایش داده است.

## ۵) برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۵ - ۱۳۹۰)

لایحه برنامه پنجم توسعه بر لزوم ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش شکاف درآمدی شهری و روستایی تأکید داشته است. همچنین ایجاد ساختار فرا بخشی مناسب برای مدیریت یکپارچه توسعه روستایی و عشایری، تنوع آفرینی مشاغل روستایی، در قالب گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی، خدمات گردشگری و ...، حمایت از تأمین مالی خرد و تدوین سیاست‌های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس (از شهر به روستا) از جمله اقدامات مهمی است که دولت در راستای دستیابی به توسعه پایدار روستایی، مکلف به انجام آن شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۹: ۲۲). همچنین دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرائی، ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت و اقدامات زیر را به عمل آورد:

۱- ارتقاء شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی ۲- حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی - کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهاده‌ها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی با اولویت مراکز دهستان‌های دارای قابلیت توسعه ۳- تعیین الگوی مدیریت در آبادی‌های فاقد شورای اسلامی ۴- تدوین سیاست‌های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس «از شهر به روستا» و تثبیت نسبی جمعیت روستایی تا آخر سال اول برنامه ۵- بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی ۶- آموزش فنی و حرفه‌ای مستمر روستاییان باهدف توانمندسازی برای ارائه و استفاده از خدمات نوین و مشارکت در فعالیتهای صنعتی و بهبود کیفیت تولیدات ۷- ساماندهی و استقرار فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زای کوچک و متوسط تولید و خدماتی در مناطق روستایی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری ۸- ساماندهی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی به‌منظور خدمات‌رسانی بهتر و مؤثرتر ۹- احداث، ترمیم و نگهداری و ایمن‌سازی شبکه راه‌های روستایی ۱۰- حمایت مالی از طریق اعطاء تسهیلات، وجوه اداره شده، یارانه سود و کارمزد جهت توسعه اشتغال خانوارهای روستایی و عشایری با اولویت روش‌های محلی و بومی و نیز تقویت مدیریت یکپارچه اراضی از طریق مشارکت با تشکل‌های حقوقی به‌منظور جلوگیری از خرد شدن اراضی و تجمیع مدیریتی اراضی خرد کشاورزی ۱۱- اقدام قانونی در جهت ایجاد شرکت شهرک‌های کشاورزی با اصلاح اساسنامه یکی از شرکت‌های مادر تخصصی موجود در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به‌منظور هدایت، راهبری و احداث و توسعه زیرساخت‌های مجتمع‌های کشاورزی، دامی و شیلاتی. ۱۲- سرمایه‌گذاری مشترک با بخش‌های غیردولتی تا سقف چهل‌ونهم درصد (۴۹٪) در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و از طریق شرکت مادر تخصصی «حمایت

از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی» و شرکت مادر تخصصی «مدیریت منابع آب ایران»، در زمینه توسعه کشاورزی با فناوری نوین، اقتصادی و بهره‌ور و طرح‌های زیربنایی و نوپدید در بخش‌های کشاورزی و منابع آب و توسعه مناطق روستایی و جوان‌سازی بافت جمعیتی مناطق روستایی و عشایری ۱۳- توسعه و هدفمندی پژوهش، آموزش، تولید و تبلیغات و همچنین توسعه تجارت الکترونیک فرش و ایجاد خانه فرش در بازارهای هدف و مورد نظر برای هویت بخشی، ارتقاء کیفیت تولید و روان‌سازی، سفارش پذیری، حمایت از ایجاد و توسعه و تجهیز کارگاه‌های متمرکز و غیرمتمرکز و اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش دستباف روستایی و شهری سراسر کشور و نیز صنایع و خدمات جانبی فرش دستباف به منظور ارتقاء و بهبود بهره‌وری، تثبیت و افزایش سهم صادراتی و بازاریابی‌های داخلی و خارجی ۱۴- تعمیر و گسترش بیمه روستایی و پوشش صد درصد (۱۰۰٪) آن از طریق تقویت صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر ۱۵- پیش‌بینی مکان‌های ورزشی برای جامعه روستایی ۱۶- تهیه طرح‌های هادی روستایی و تعیین محدوده روستاها در سراسر کشور با پیشنهاد کارشناسان فنی، زیر نظر بنیاد مسکن و تأیید بخش‌داری هر بخش و با اطلاع دهیاران و رؤسای شورای اسلامی روستاها (قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰). در برنامه پنجم نگاه بومی‌سازی در سیاست‌گذاری‌های برنامه توسعه روستایی نسبت به ۴ برنامه دیگر پررنگ‌تر بوده و ارتقاء شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی و حمایت مالی از طریق اعطاء تسهیلات، وجوه اداره شده، یارانه سود و کارمزد جهت توسعه اشتغال خانوارهای روستایی و عشایری با اولویت روش‌های محلی و بومی نمونه‌های از دلایل توجه به نگاه بومی‌سازی سیاست‌گذاری برنامه‌های توسعه روستایی است.

## ۶) برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶)

برنامه ششم توسعه، سومین برنامه‌ای است که در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود. هدف کلی این برنامه برای توسعه روستایی ارتقا و توسعه خدمات و زیرساخت‌ها توسعه روستایی، ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی تا سطح مناطق شهری، توسعه و بهبود مدیریت روستایی، توسعه و تثبیت اشتغال روستایی و انتظام بخشی به روابط شهر و روستا و ارتقای هویت روستایی (سند برنامه ششم: ۱۳۹۴: ۱۲۰). موارد که در رابطه با توسعه روستایی در این برنامه آورده شده است به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- طرح‌های هادی روستایی و تعیین محدوده روستاها در سراسر کشور را با پیشنهاد کارشناسان فنی
- ۲- شوراها برنامه‌ریزی و توسعه استان و کمیته برنامه‌ریزی شهرستان موظف‌اند پنج تا هشت درصد (۵٪) تا ۸٪) از سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی مصوب قانون بودجه سالانه را صرف تهیه و اجرای طرح‌های هادی و بهسازی روستاهای شهرستان نمایند. ۳- دولت مکلف است در راستای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تقویت اقتصاد روستایی و توسعه اقتصاد صادرات محور در طول اجرای قانون برنامه هرسال، در

پنج هزار روستا با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی - اقتصادی آن منطقه، با مشارکت نیروهای محلی و با بهره‌گیری از تسهیلات بانکی، حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی آن روستاها را به‌وسیله سازمان استان تهیه کند و به تصویب شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان مربوطه برساند ۴- تنظیم و ارائه هدفمند و شفاف اعتبارات مربوط به عمران و توسعه روستایی و عشایری در بودجه سنواتی، تحت پیوستی با عنوان «عمران و توسعه روستایی». ۵- کاهش مدت‌زمان پاسخ به استعلام‌ها و صدور پروانه ساخت بنگاه‌های اقتصادی روستایی و عشایری از هرکدام از دستگاه‌های ذی‌ربط، به حداکثر پانزده روز ۶- توسعه حداقل پنجاه‌وچهار خوشه کسب‌وکار روستایی، بهره‌برداری و ساخت نودوهشت ناحیه صنعتی روستایی و ایجاد یک‌میلیون و نهصد و چهارده هزار فرصت شغلی در روستاها و مناطق عشایری از طریق احداث و توسعه بنگاه‌های اقتصادی رقابت‌پذیر و صادرات‌گرا از طریق بخش‌های خصوصی و تعاونی ۷- تأمین منابع موردنیاز برای رشد سالانه حداقل پنج درصد (۵٪) شاخص‌های برخورداری تعیین‌شده در ساماندهی عشایر ۸- تهیه طرح‌های هادی و طرح‌های توسعه و بازنگری آن‌ها برای همه روستاها و آبادی‌های بالای بیست خانوار و مناطق عشایری در طول اجرای قانون برنامه با اولویت مناطق کمتر برخوردار ۹- آموزش صدهزارنفری از روستاییان و عشایر به‌عنوان عناصر پیشرو و تسهیلگر در زمینه برنامه‌ریزی محلی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی و برنامه‌های فرهنگی، بهبود خدمات‌رسانی، جلب مشارکت‌های مردمی و نظارت بر اثربخشی طرح‌های دستگاه‌های اجرایی ۱۰- شناسایی روستاهای در معرض خطر سوانح طبیعی جهت اجرای طرح‌های ایمن‌سازی این سکونتگاه‌ها با همکاری دستگاه‌های مسئول و مشارکت مردم و نهادهای محلی. ۱۱- تعیین شاخص‌های بافت‌های فرسوده و نابسامان روستایی و تهیه و اجرای طرح‌های بهسازی بافت‌های فرسوده در روستاهای دارای اولویت. ۱۲- بخشودگی سود و جرائم تسهیلات پرداخت‌شده به افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی جهت بازسازی اماکن مسکونی مناطق روستایی آسیب‌دیده از حوادث طبیعی و غیرمترقبه که قادر به بازپرداخت اقساط خود نمی‌باشند ۱۳- امکان‌سنجی، طراحی و ایجاد سامانه‌های دفع بهداشتی زباله‌های روستایی محدوده‌های روستاها و جمع‌آوری و دفع آن‌ها در خارج از محدوده روستاها و شهرها و تعیین مسؤلیت دستگاه‌های ذی‌ربط. ۱۴- طراحی و اجرای طرح‌های (پروژه‌های) دفع بهداشتی فاضلاب در روستاها با اولویت روستاهای واقع در حریم رودخانه‌ها، تالاب‌ها، سدها و روستاهایی که به دلیل نفوذپذیری کم اراضی دفع فاضلاب در آن‌ها دچار مشکل می‌باشد از طریق بخش خصوصی ۱۵- یکپارچه‌سازی حداکثری فعالیت‌ها و برنامه‌های عمران و توسعه روستایی، عشایری و کشاورزی کشور و مدیریت آن‌ها با رویکرد جهادی و نظارت‌پذیر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه ششم و ایجاد یکپارچگی برنامه‌ریزی و ارائه خدمات و طرح‌های روستایی و عشایری در قالب برنامه‌های جامع، بر اساس نیازها و مشارکت واقعی مردم و شرایط انسانی، طبیعی، اقتصادی و اجتماعی ۱۸- تأمین و تخصیص اعتبار موردنیاز جهت احداث، بهسازی و آسفالت و نگهداری راه‌های روستایی روستاهای بالای بیست خانوار جمعیت و مناطق عشایری تا پایان اجرای قانون برنامه ۱۹- تهیه و اجرای طرح‌های

ساماندهی و بهسازی حداقل بیست درصدی (۲۰٪) روستاهای مرزی با رویکرد پدافند غیرعامل جهت توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶). مصداق بومی‌گرایی در سیاست‌های توسعه روستایی در برنامه ششم شامل توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی - اقتصادی آن منطقه، با مشارکت نیروهای محلی و با بهره‌گیری از تسهیلات بانکی، حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی آن روستاها، آموزش صدهزار نفری از روستاییان و عشایر به‌عنوان عناصر پیشرو و تسهیلگر در زمینه برنامه‌ریزی محلی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی و برنامه‌های فرهنگی، بهبود خدمات‌رسانی، جلب مشارکت‌های مردمی، شناسایی روستاهای در معرض خطر سوانح طبیعی جهت اجرای طرح‌های ایمن‌سازی این سکونتگاه‌ها با همکاری دستگاه‌های مسئول و مشارکت مردم و نهادهای محلی، امکان‌سنجی، طراحی و ایجاد سامانه‌های دفع بهداشتی زباله‌های روستایی محدوده‌های روستاها و جمع‌آوری و دفع آن‌ها در خارج از محدوده روستاها و شهرها و تعیین مسئولیت دستگاه‌های ذی‌ربط می‌باشد که نشان از توجه به اهمیت بومی‌سازی در سیاست‌گذاری برنامه توسعه روستایی دارد و این نگاه در برنامه ششم توسعه نسبت به ۵ برنامه قبلی بیشتر و واضح‌تر است.

## ۶- نتیجه‌گیری

نکته مهم در تعیین و انتخاب الگوی مناسب توسعه، مفهوم توسعه بومی است. در گذشته، عمدتاً فرضیه‌ها و مفاهیم از یک کشور یا منطقه خاص و با ویژگی‌های معین و منحصر به فرد، بدون هیچ‌گونه تعدیل و تطبیق به دیگر مناطق جهان که ویژگی‌های خصوصیات و مقتضیات متفاوتی داشتند، انتقال یافته و عیناً به کار گرفته شده است. بی‌حاصل بودن این اقدامات توسعه‌ای و بعضاً دستاوردهای نامطلوب و در نتیجه تضییع منابع، این باور را در اذهان برخی اندیشمندان توسعه نشانده که هر کشوری باید در چارچوب مقتضیات و داده‌های اقلیمی و محیطی، انسانی و نهادی خود، الگوی خاصی از توسعه را طراحی و به اجرا بگذارد (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲). در این بین یکی از مهم‌ترین اسنادی که می‌تواند پشتیبانی مطلوبی را از تحقق توسعه به‌ویژه توسعه روستایی داشته باشد برنامه‌های توسعه است. در ایران برنامه‌های توسعه عموماً از بالا به پایین و بدون مشارکت دادن اعضا و نهادهای جامعه محلی طراحی شده و به‌صورت سند توسعه تدوین یافته است. کنشگران عرصه برنامه‌ریزی در ایران غالباً نیروها، کارشناسان و کارگزاران دولتی بوده‌اند. این در حالی است که جلب مشارکت صاحب‌نظران دانشگاهی، نهادها و تشکلهای غیردولتی و شرکت فعالان اقتصادی غیردولتی در شوراها و کمیته‌های برنامه‌ریزی می‌تواند دامنه پذیرش خط‌مشی‌ها و سیاست‌های برنامه را در جامعه بسط داده، بر موفقیت اجرایی برنامه بیفزاید. از طرف دیگر در سیاست‌گذاری‌های توسعه روستایی بی‌توجهی به الگوی توسعه محلی و بومی باعث ایجاد مشکلات و شکاف‌های متعدد در روستاهای کشور شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مهاجرت، بیکاری، به هم ریختن بافت کهن و سنتی، شکاف طبقاتی، توزیع ناعادلانه منابع و امکانات بین شهر و روستا و غیره اشاره کرد. همه این موضوعات گویای این است که توجه یک‌بعدی به توسعه با رویکرد از بالا

به پایین و بدون توجه به رویکرد بومی، نه تنها توسعه محقق نمی‌شود بلکه موانعی را برای رسیدن به توسعه مطلوب ایجاد نموده و مسیر را برای رسیدن به توسعه متوازن مشکل می‌سازد. به طوری که بررسی رویکرد بومی‌سازی در برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد برنامه اول و دوم توجه به سیاست بومی‌سازی از جایگاهی برخوردار نیست. در برنامه سوم در رابطه با روستاها می‌توان رگه‌هایی از نگاه بومی مانند واگذاری بخشی از فعالیت‌های اجرائی دستگاه‌های دولتی به شوراهای اسلامی و دستگاه‌های محلی و هویت بخشی به سیما و کالبد شهرها و روستاهای کشور با ویژگی‌های فرهنگ معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی (بومی) به نوعی توجه به سیاست بومی‌سازی را در این برنامه می‌توان یافت اما این نگاه چشمگیر نمی‌باشد. در برنامه چهارم امید به اهمیت داشتن نگاه بومی در سیاست‌گذاری‌های توسعه را افزایش داده است با اینکه کماکان سیاست‌گذاری توسعه روستایی در این برنامه بر دیدگاه کلیشه‌ای کالبدی، فیزیکی، عمرانی و خدماتی به توسعه روستایی غلبه دارد. در برنامه پنجم نگاه بومی‌سازی در سیاست‌گذاری‌های برنامه توسعه روستایی پررنگ‌تر بوده و ارتقاء شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی و حمایت مالی از طریق اعطاء تسهیلات، با اولویت روش‌های محلی و بومی نمونه‌های از دلایل توجه به نگاه بومی‌سازی سیاست‌گذاری در این برنامه است. در برنامه ششم توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی - اقتصادی آن منطقه، با مشارکت نیروهای محلی و آموزش صدهزار نفری از روستاییان و عشایر به عنوان عناصر پیشرو و تسهیلگر در زمینه برنامه‌ریزی محلی که نشان از توجه به اهمیت بومی‌سازی در سیاست‌گذاری برنامه توسعه روستایی دارد و این نگاه در برنامه ششم واضح‌تر است. در کل نگاه بومی در سیاست‌گذاری‌های توسعه روستایی ارکان غالب نیست و باید به رکن اصلی این سیاست‌گذاری تبدیل شود.

## ۷- منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۹۳) آمایش سرزمین و نقش در آن تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ازکیا، مصطفی و دیباجی فروشانی، (۱۳۹۵)، نقد برنامه‌های توسعه روستایی در ایران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۵
- افراخته، حسن و افراخته، روشنک، (۱۳۹۳)، لزوم بومی‌سازی طرح‌های توسعه جزیره کیش، دوازدهمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
- امیرانتخابی، شهرام، جوان، فرهاد و جاوید، لقمان، (۱۳۹۷)، تحلیل جایگاه سکونتگاه‌های روستایی در برنامه‌های کلان توسعه کشور مورد مطالعه: برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی پس از انقلاب اسلامی (۹۵ - ۱۳۶۸). فصلنامه راهبرد فرهنگی اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست‌ونهم، زمستان - ۱۳۹۷، صص ۷۲ - ۳۵.



- بوذرجمهری، خدیجه و رکن‌الدین افتخاری، علیرضا، (۱۳۸۳)، تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱، بهار
- جمعه پور، محمود، (۱۳۹۳)، بومی‌سازی در عرصه توسعه نقش دانش بومی در فرآیند آن، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره دو، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- چمبرز، رابرت (۱۳۹۶)، توسعه روستایی، اولویت‌بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب‌پذیر). چاپ چهارم، مترجم مصطفی ازکیا. انتشارات دانشگاه تهران
- حیدرپور، بهادر، دانیالی، تهمینه و استعلاجی، علیرضا، (۱۳۹۹)، بررسی و تبیین وضعیت روستاهای شهرستان اسلامشهر از نظر چالش‌های توسعه روستایی، فصل‌نامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره سوم، تابستان
- دهقان پیشه، الهه، اسماعیلی؛ رضا، (۱۳۹۱)، ارزیابی مصوبات دولت درباره سینما (۱۳۸۸-۱۳۶۸ شمسی)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۳۲-۱۱۵
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس، چاپ ششم
- رضوانی، محمدرضا؛ هاجری، بهرام؛ بدری، سید علی و ترابی، ذبیح‌الله (۱۳۹۵) شناسایی راهکارهای توسعه روستایی با استفاده از چارچوب مشارکتی *SOLAR* مورد: روستای میغان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۴، صص ۴۳-۲۷
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۷۲)، مکانیسم‌های برنامه‌ریزی در ایران با تأکید بر برنامه‌ریزی روستایی، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، تهران، انتشارات سمت
- سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹-۱۳۹۵)، انتشارات سازمان برنامه‌بودجه، چاپ اول
- سید تقوی، میرعلی و بابایی، علی (۱۳۹۲)، ارزیابی سیاست‌های توسعه اقتصادی روستایی از دیدگاه منطقه‌ای با نگاهی بر سیاست‌های دولت در ایران، پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۳، پاییز، صص ۴۷۹-۴۵۱
- شکوری، علی؛ (۱۳۹۰)، افول روستا و روستانشینی یا ضرورت بازنگری در رویکردها و روش‌ها در ایران، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱-۲۹
- عزیزخانی، فاطمه، (۱۳۹۱) مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران، ارزیابی و مقایسه تطبیقی مستندات برنامه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه، تهران: نشر مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
- غفاری غلامرضا (۱۳۹۵)، پویایی‌شناسی برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۱، بهار، صص ۱-۱۸
- غفاری فرد، محمد (۱۳۹۸)، بررسی روند سیاست‌گذاری توسعه و توازن منطقه‌ای طی برنامه‌های توسعه در ایران و ارائه راهبردهای اساسی، فصل‌نامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۹، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۱-۴۱

- فتح الهی بحری گلام، سعدی، کلانتری، خلیل، امیری، علی (۱۳۹۶) تحلیل محتوای قوانین عمران روستایی در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره ۱، دوره ۲، صص ۶۷-۷۷
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶)، ناشر: سازمان برنامه و بودجه، چاپ سوم
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۹۰) ناشر: سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۸۴) ناشر: سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۷)، ناشر: سازمان برنامه و بودجه، چاپ پنجم
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۹) ناشر: سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول
- قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۹۶) ناشر: سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول
- کرائی، مهدی، داوودی، سید محمدرضا (۱۳۹۴)، بومی‌سازی توسعه و ضرورت اجرای آن، چهارمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکرد کاربردی و پژوهشی نوین، سازمان مدیریت صنعتی
- متوسلی، محمود، سیف، ا... مراد و مهاجران، میرسعید، (۱۳۹۲) توسعه بومی، تغییری ضروری و بنیادین، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال هیجدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۶۰-۱۳۳
- محمد زاده لاریجانی، فاطمه (۱۳۹۳)، نقش دانش بومی در بومی‌سازی فرایند برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی، همایش علوم جغرافیایی ایران، دانشگاه تهران
- محمودی، سمیرا، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۵)، بومی‌سازی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، زمستان ۱۳۹۵، دوره ۷، شماره ۴
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۸۹)، بررسی لایحه برنامه پنجم توسعه، فصل ششم - توسعه منطقه‌ای، محیط‌زیست و توسعه روستایی، شماره مسلسل ۱۰۲۶۱
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۹۵)، اظهار نظر کارشناسی درباره طرح جامع توسعه و عمران روستایی کشور، شماره مسلسل ۱۵۰۶۹
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۹۸)، گزارش چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸: حوزه توسعه روستایی و عشایری، شماره مسلسل ۱۶۴۹۴
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه فردوسی مشهد. چاپ ششم
- نجفی کانی، علی‌اکبر و قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۲)، برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن‌ها بر نواحی روستایی، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴، بهار ۱۳۸۲

نوربخش، بهمن و میرترابی، سعید، (۱۳۹۹)، ضعف اجماع نخبگان و پیامد های آن بر چرخه سیاست گذاری توسعه در ایران (برنامه اول، دوم و سوم توسعه ج.ا. ایران)، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۱، تابستان، صص ۱۱۳-۱۳۴

وثوقی، منصور، حبیبی، سونا (۱۳۹۲)، دانش بومی؛ گامی به سوی بومی سازی توسعه روستایی و توانمندسازی روستاییان، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره دوم، شماره ۴۰، بهار ۹۳، صفحات ۹-۲۶

ورمزیاری، حجت، کلانتری، خلیل، لوایی آدریانی، رسول و صمدی، محسن، (۱۳۹۷)، طراحی الگویی از چالش های سیاست گذاری و برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران: یک نظریه داده بنیان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۹۷-۱۲۳

ورمزیاری، حجت؛ بابایی، محسن؛ خلیل، کلانتری، (۱۳۹۹)، تبیین استلزامات ارتقاء نظام سیاست گذاری توسعه روستایی و عشایری ایران مبتنی بر سبک مدیریت جهادی، دوره ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، صفحه ۲۱۴-۲۳۳

Clarke. Chris (2018), *Localisation Implications for the International Non Government Organisation sector*, <https://www.cid.org.nz/connect/news/localisation-implications-for-the-international-non-government-organisation-sector/>

Guinjoan, Eloi, Badia, Anna, Tulla, Antoni, F.(2016), *THE NEW PARADIGM OF RURAL DEVELOPMENT. THEORETICAL CONSIDERATIONS AND RECONCEPTUALIZATION USING THE 'RURAL WEB'*, *Bulletin of the Association of Spanish Geographers No. 71 - 2016*, pp. 495-500

HERNANDO, M. (2007): *El desenvolupament local*. Barcelona. Editorial UOC.

Pike, A., Rodriguez-pose, A. and TOMANEY, J. (2007): «What Kind of Local and Regional Development and for Whom?» *Regional Studies*, n°41 (9), 1253-1269.

WOODS, M. (2011): *Rural*. Oxon and New York. Routledge.